

کتاب در قرآن کریم

داوود سلیمانی

شاخهٔ الهیات گروه علوم انسانی
معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی

کاربرد واژهٔ کتاب در مهم‌ترین و با ارزش‌ترین «کتاب هدایت» یعنی «قرآن» یکی از موضوعاتی است که می‌تواند ما را به تلقی وحی از «کتاب» نزدیک کند. کلمهٔ کتاب در قرآن دوست و پنجاه و نه مرتبه به صورت مفرد و جمع بکار رفته است.^(۱) این واژه در معانی و مصادیق گوناگونش همه ریشه در اصل معنای لغوی آن دارد.

ابن منظور در «لسان العرب» می‌گوید: «الکتاب ما کتب فیه»^(۲) لذا هر نوشته‌ای را کتاب گویند، کتاب و مکتوب نیز مترادف یکدیگرند، ولی هر نوشته‌ای با توجه به هدف نوشتار، شکل و محتوا و یا پیامی که القاء می‌کند مصادیق گوناگونی دارد مثلاً «نامه» خود، کتاب است. همچنین است «نامهٔ اعمال» و ... که از جمله مصادیق کتاب‌اند.

با بررسی و مطالعهٔ آیاتی که ذکر کتاب در آنها رفته و با رجوع به ترجمه‌ها و تفاسیر قرآنی به این نتیجه می‌رسیم که استعمال کلمهٔ «کتاب» در موارد متعدّد، هر چند که ظاهراً متفاوت است، ولی به دلیل اشتراک معنای آن در لفظ، به یک اصل و ریشه برمی‌گردد و این «اصل» همان معنای لغوی آن است. لذا به مطلق هر نوشته‌ای چه نامه باشد، چه نوعی از نامه نظیر ابلاغیه، حکم و ... و چه بر روی کاغذ باشد و یا کتیب و لوح چه پنهان باشد و چه آشکار و ... «کتاب» گویند. ولی فهم این مصادیق متفاوت و گوناگون از آیات قرآنی همیشه نیازمند درک قرینه و قرآینی است که ما را به معنای اراده شده راهنمایی می‌کند.

ما در این مختصر به کاربرد واژه «کتاب» در قرآن که به صورت استقرایی احصاء شده است اشاره می‌کنیم و نمونه‌هایی از آیات مورد نظر که بیانگر مصداق مورد ادعاست را ذکر می‌کنیم.

۱. کتاب به معنای قرآن

آیات بسیاری است که ذکر «کتاب» در آن آیات، به معنای «قرآن» است. وجه تسمیه قرآن به کتاب به دلیل مکتوب بودن آن است و گفته‌اند قرآنی نیز در معنای قرآن و کتابت وجود دارد. گفتیم معنای کتاب دلالت بر نوشته و مکتوب دارد و هر نوشته‌ای را کتاب گویند و هر کتابی مشتمل بر پیام و یا علمی است. قرآن مشتمل بر «وحی» است، و کلام خدا را دربردارد. این کلمات که از طریق جبرئیل و در طول بیست و سه سال بر پیامبر اکرم (ص) نازل گردید، توسط کتاب و نویسندگان وحی در صحیفه‌ها نوشته شد. این مفاهیم و آیات خود از کتاب دیگری که قرآن از آن به «لوح محفوظ» یا «کتاب مکنون» و... یا کرده است، نقل شده و نزول یافته است. زیرا که درک آن «کتاب عالی» برای بشر امکان نداشت لذا تبدیل به «کتاب نازل» گردید و در مرحله نزول و نقل از کتاب عالی برای انسان و هدایت وی مفید و کارآمد گردید. قرآن متضمن نوشته‌هایی در باب هدایت انسان به سوی کمال و رشد مادی و معنوی است. قرآن کتاب انسان‌سازی است که عالیت‌ترین چهره «کتاب» را در صحنه زندگی بشر معرفی می‌نماید.

بنابراین بهترین و کاملترین کتاب زندگی همان قرآن است. عموماً کتابها را برای دریافت و درک علوم می‌خوانند. کتاب منبع آگاهیهای بشری است که از سرچشمه‌های متفاوتی سرازیر می‌گردد و ذهن و دل آدمیان را به خود مشغول می‌سازد. گاه انسان را به نهایت درک معانی بلند و حرکت آفرین رهنمون می‌سازد و گاه نتیجه‌ای ناخوشایند را به همراه دارد. ولی قرآن عالیت‌ترین و یقینی‌ترین نوع علم است، زیرا که «وحی» عالیت‌ترین و یقینی‌ترین نوع علم است. عالیت‌ترین آگاهی یقینی همان وحی است، و لذا این کتاب حاوی «عین علم» است و تاکنون کتابی به این درجه از ثبات و استواری و بدین پایه از یقین و قطعیت نرسیده است. لذا نام این کتاب «قرآن» نامیده شده تا آن را بخوانند و از سرچشمه‌های علم و معرفت آن سیراب گردند. قرآن به معنای «خواندن»^(۳) است. این کتاب، کتابی خواندنی است و خواندن آن نیز با خواندن سایر کتب متفاوت است. چون اسلوب و روش آن با سایر کتب متفاوت و محتوای آن نیز با سایر کتب غیر قابل مقایسه است. بنابراین «خواندن» این کتاب نیز چون به منظور بهره گرفتن به نحو شایسته است دارای «آداب» خاصی است که مورد توجه بزرگان دین بوده و خود قرآن نیز در مواضع گوناگون به آن اشاره نموده است^(۴) و به خواندن آن با تأمل و تدبیر فرمان داده است.^(۵)

در آیات زیر نمونه‌ای از کاربرد واژه کتاب به معنای قرآن را ذکر می‌کنیم:

- هو الذی انزل علیک الكتاب منه آیات محکمات
 - انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس...
 - و انزل الله علیک الكتاب والحکمہ...
 - و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصداقاً...
 - و ما انزلنا علیک الكتاب الا لتبین لهم...
 - و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لكل شیء...
 - الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب...
 - اولم یکفهم انا انزلنا علیک الكتاب
 - و كذلك انزلنا الیک الكتاب...
 - الم. تنزيل الكتاب لاریب فیه من رب العالمین
 - انا انزلنا الیک الكتاب بالحق فاعبد الله
 - انا انزلنا علیک الكتاب للناس بالحق
 - تنزيل الكتاب من الله العزیز العلیم
 - تنزيل الكتاب من الله العزیز الحکیم
 - تنزيل الكتاب من الله العزیز الحکیم
 - و هذا کتاب انزلناه مبارک مصدق...
 - و هذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه
 - کتاب انزل الیک فلا یکن فی صدرك حرج
 - کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات...
 - کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته

در این آیات و چندین آیه دیگر در قرآن مشخصاً «کتاب» به معنای همان «قرآن» است.

با دقت در آیات ذکر شده درمی یابیم که «کتاب» در مقام این آیات اشاره به کتابی دارد که «نزل» یافته است. ذکر واژه های «تنزیل» و «انزال» به همراه «کتاب» در آیات مذکور بیانگر این نکته می باشد که کتاب مذکور نزول یافته کتاب دیگری است که در نزد خداست و در درجه عالی و بالایی قرار دارد که از مساس و دستیابی افراد عادی دور است. قرآن «کتاب مکنون» و یا «لوح محفوظ» نامیده شده است چنانکه می فرماید:

- اِنَّه لقرآن کریم. فی کتاب مکنون

- بل هو قرآن مجید. فی لوح محفوظ

علاوه بر این رابطه «کتاب نازل» با «کتاب مکنون» با ذکر ضمیری نظیر «ذلک» و «تلك» که اشاره به دور است فهمیده می شود. در آیات زیر «تلك آیات الكتاب»ها اشاره به «آیات قرآنی» دارد که در

«لوح محفوظ» بوده و اینکه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. لذا حصر آن به «کتاب مکنون» و یا «قرآن مجید» وجهی ندارد. بلی می‌توان مصداق «تلك آیات الكتاب» را قرآن دانست و ضمیر را دالّ بر مرتبه عالی قرآن که در «کتاب مکنون» و «لوح محفوظ» بوده است و اینک در مرحله‌ای فروتر برای هدایت بشر به پیامبر وحی گردیده است، دانست. بعضی از آیات که ناظر به این نوع رابطه بین قرآن و کتاب مکنون اند عبارتند از:

- ذلك الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین
 - الر تلك آیات الكتاب الحکیم
 - الر تلك آیات الكتاب المبین
 - المر تلك آیات الكتاب والذی انزل الیک...
 - الر تلك آیات الكتاب و قرآن مبین
 - طسم. تلك آیات الكتاب المبین
 - طسم. تلك آیات الكتاب المبین
 - الم. تلك آیات الكتاب الحکیم
- باتوجه به آنچه ذکر شد درمی‌یابیم که یکی دیگر از مصداق «کتاب» در قرآن «لوح محفوظ» است.

۲. کتاب به معنای لوح محفوظ

«لوح محفوظ» در حقیقت کتابی است که تمامی جزئیات نظام آفرینش و حوادث و وقایع آن را از ابتدا تا انتها در بردارد. و در حقیقت کتابی است که نزد خدا محفوظ است چنانکه فرمود:

- قد علمنا ما تنقص الارض منهم و عندنا کتاب حفیظ
- این نوع کتاب نیز خود بر دو نوع است: «یکی آن کتابی که مطالب نوشته شده در آن به هیچ وجه تغییر نمی‌پذیرد، مانند کتاب نامبرده در آیه «وما یعزب عن ربک من مثقال ذرة فی الارض ولا فی السماء ولا اصغر من ذلك ولا اکبر الا فی کتاب مبین» (یونس ۱۰ / ۶۱)، و آیه «وکل شیء احصیناه فی امام مبین» (یس ۱۲ / ۱۲) و آیه «و عندنا کتاب حفیظ» (ق / ۴) ... و یکی دیگر کتبی که قلم خوردن و محو و اثبات در آن راه دارد همچنان که آیه «یمحو الله ما یشاء و یشاء و عنده ام الكتاب» (رعد ۱۴ / ۳۹) به وجود چنان کتبی دلالت دارد.^(۶)

آیات دیگری که در آنها «کتاب» به معنای «لوح محفوظ» و یا «کتاب مکنون» و یا «ام الكتاب» و «کتاب حفیظ» است عبارتند از:

- ما اصاب من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها

- و انه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم.
- و ما یعزب عن ربک مثقال ذرة فی السموات ولا فی الارض ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی کتاب مبین.
- احزاب ۳/۳۳
- طه ۵۲/۲۰
- واقعه ۷۸/۵۶
- حج ۷۰/۲۲
- فاطر ۱۱/۳۵
- نمل ۷۵/۲۷
- قال علمها عند ربی فی کتاب لایضل ربی ولا ینسی
- فی کتاب مکتون
- الم تعلم ان الله یعلم ما فی السموات والارض ان ذلک فی کتاب
- ... ولا ینقص من عمره الا فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر
- و مامن غائبة فی السماء والأرض الا فی کتاب مبین

۳. نام کتاب موسیٰ (ع)

گفتیم که از موارد کاربرد واژه «کتاب» در آیات، «قرآن» است، باید اضافه کنیم که این کاربرد غیر از قرآن شامل سایر کتب آسمانی که «مشمول بر شرایع دین بوده و بر انبیاء (ع) نازل می‌شده» نیز می‌باشد، مانند کتابی که بر نوح (ع) نازل شده و آیه «وانزل معهم الكتاب بالحق» (بقره ۲/۲۱۳) به آن اشاره می‌نماید، و کتابی که بر ابراهیم و موسیٰ نازل شده و آیه «صحف ابراهیم و موسیٰ» (اعلیٰ / ۱۹) از آن به صحف تعبیر کرده است. (۷)

اینک به طور مشخص به موارد کاربرد «کتاب» در معنای «تورات» اشاره می‌کنیم:

- واذ اتینا موسیٰ الكتاب والفرقان لعلکم تهتدون
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب و قفینا من بعده الرسل
- و من قبله کتاب موسیٰ اماماً و رحمةً
- ثم اتینا موسیٰ الكتاب تماماً علی الذی احسن و تفصیلاً لکل شیء
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب فاختلف فیہ
- و اتینا موسیٰ الكتاب و جعلناه هدی لبنی اسرائیل
- و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب... (۸)
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب و جعلنا معه اخاه هارون وزیراً
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب لعلهم یتهدون
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب من بعد ما اهلکنا القرون الأولى
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب فلا تکن...
- و اتیناهما الكتاب المستبین (۹)
- ولقد اتینا موسیٰ الكتاب فاختلف فیہ
- بقره ۵۳/۲
- بقره ۸۷/۲
- هود ۱۷/۱۱
- انعام ۱۵۴/۶
- هود ۱۱۰/۱۱
- اسراء ۲/۱۷
- اسراء ۴/۱۷
- فرقان ۳۵/۲۵
- مؤمنون ۴۹/۲۳
- قصص ۴۳/۲۸
- سجده ۲۳/۳۲
- صافات ۱۱۷/۳۷
- فصلت ۴۵/۴۱

- و من قبله کتاب موسی اماماً و رحمةً...
این آیات و آیات دیگری که از ذکر آن خودداری می‌کنیم دلالت بر کاربرد کتاب در معنای تورات دارد. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که چنان که آیات فوق نشان می‌دهد در آیات فوق ذکر دادن کتاب به موسی برخلاف قرآن بیشتر با لفظ «اتیناه» آمده و «انزال و تنزیل» در مورد تورات و انجیل جز در موارد معدودی نظیر «و أنزل التوراة والانجیل...» (آل عمران ۳/۳) بکار نرفته است، که خود قابل توجه و دقت است و در مورد انجیل به تنهایی هم فرموده: «و اتیناه الانجیل فیه هدی و نور» (مائده / ۴۶). بعضی هم معنای «الکتاب» را به طور مطلق «تورات» دانسته‌اند و «زجاج» در تفسیر «نبد فریق من الذین اوتوا الکتاب» (بقره ۲/۱۰۱)، کتاب را به تورات تفسیر نموده است و می‌گوید: «والکتاب، مطلقاً: التوراة» (۱۰)

۴. نام انجیل

دیگر از مصادیق کتاب، در قرآن، انجیل عیسی (ع) است. این لفظ ظاهراً فقط در یک مورد به کار رفته است، از آیه سی‌ام سورهٔ مریم چنین استفاده می‌شود که مراد از «کتاب»، انجیل است. ولی می‌توان با توجه به اعلام رسالت توسط حضرتش که فرمود: «خداوند مرا نبی قرار داده است»، معنای «شریعت» را نیز از واژهٔ کتاب در آیهٔ مورد بحث دریافت. خداوند در این آیه می‌فرماید:

- «قال ائی عبدالله اتانی الکتاب و جعلنی نبیاً».

مریم ۳۰/۱۹

این سخن عیسی بن مریم (ع) هنگامی بود که به مریم علیها السلام سخنانی را نسبت داده و گفتند: «ای دختر هارون نه پدر تو کار بدی داشت و نه مادرت از حدود تعدی و تجاوز نمود، که مریم (س) به عیسی (ع) و گهوارهٔ وی اشاره نمود - یعنی حقیقت امر را از این کودک سؤال کنید - و آنها در پاسخ وی گفتند: چگونه با طفلی که در گهواره آرمیده سخن گوئیم. که موسی (ع) فرمود: من بندهٔ خدایم و وی مرا کتاب داده و نبی قرار داده است». (۱۱)

از این آیه می‌توان دریافت که عیسی (ع) از انبیاء صاحب کتاب (صاحب شریعت) بوده است و اطلاق کردن «کتاب» به «انجیل» در آیهٔ مورد بحث بُعدی ندارد.

۵. کتاب به معنای «شریعت و قانون هدایت»

در قرآن کریم به آیاتی برمی‌خوریم که واژهٔ کتاب در آنها ناظر بر کتاب خاصی نیست بلکه می‌توان از آن چنین فهمید که مراد از کتاب در این دسته از آیات، شریعت و قوانینی است که انبیاء بدان مبعوث شده‌اند تا انسانها را از گمراهی و عبادت اصنام و غیر خدا به راه راست و طریق عبادت وی راهنمایی کنند.

- کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم

بین الناس فیما اختلفوا فیہ.

(بقره ۲/۲۱۳)

«کتاب به معنای نوشته است و به حسب متعارف با قلم نگارش می یابد، و چون غالباً عهدنامه‌ها و فرمانهای لازم الاجرا را برای اینکه ثابت و پابرجا بماند به کتابت می‌رسانند لذا به هر حکم واجب یا هر بیان غیر قابل نقضی کتاب گفته می‌شود»^(۱۲) در آیه فوق نیز می‌توان از جمله «و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیہ» فهمید که «شریعت به معنای کتاب است و چون کتاب در بردارنده قوانین و احکامی است که به واسطه آن بین مردم و اختلافهای میان آنها به حق حکم می‌کند و خداوند برای حل اختلافات آنان شریعت و قانونی را که به حق حکم می‌کند به پیامبران فرو فرستاده است. همچنین علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه: «و ما انزل علیکم من الکتاب والحکمة یعظکم به...» (بقره ۲/۲۳۱) مراد از واژه کتاب را «شریعت» ذکر می‌کند.^(۱۳) به نظر نگارنده بهترین مصداق «شریعت» در آیات قرآنی که واژه «کتاب» در آنها ذکر شده است، آیه ۲۵ از سوره حدید است که می‌فرماید:

- انا ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.

حدید ۵۷/۲۵

زیرا آیه وجود کتاب را برای تمامی رسل ذکر می‌کند نه فقط رسولانی خاص. بنابراین اقوالی که آیه را به رسولان اولوالعزم تفسیر می‌کنند نمی‌تواند تفسیر کاملی باشد. لفظ «رسل» تمامی انبیاء را در بر می‌گیرد. و می‌دانیم که پیامبران از جهت ابلاغ رسالت در درجات متفاوتی قرار داشته‌اند، بعضی پیامبر خانواده خویش و بعضی پیامبر قوم خود و یا سرزمین بزرگتری بوده‌اند و بعضی نیز حوزه رسالت آنان از مرزهای جغرافیایی گذشته و برای همگان بوده‌اند. این آیه درصدد بیان این مطلب است که خداوند رسولان خویش را با حجتها و دلایل روشن برای ابلاغ رسالت مبعوث نموده و همراه آنان «شریعت» و قوانینی (هرچند محدود و ساده) فرستاده است تا مردم به واسطه آن به راستی و عدل گرایند و از تعدی و تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی یکدیگر پرهیز کنند. ولی از میان شرایع گوناگون، شریعت انبیاء اولوالعزم از گستردگی و اهمیت خاصی برخوردار بوده است و اگر پیامبرانی چون نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) را پیامبران صاحب کتاب و شریعت خوانده‌اند به دلیل همین گستردگی پیام و شریعت گسترده‌ای است که بدان مبعوث شده‌اند و پیامبران نامبرده همگی دارای کتاب تدوین یافته‌ای بوده‌اند و همان طور که قبلاً ذکر شد نوح (ع) و ابراهیم (ع) نیز دارای «مصحف» و «کتاب» بوده‌اند و موسی (ع) و عیسی (ع) نیز صاحب تورات و انجیل‌اند و محمد (ص) نیز خاتم آنان و شریعت وی کاملترین شرایع است. نظر به اینکه از شرایع گذشته جز شریعت موسی (ع) و عیسی (ع)، - در سرزمین عربستان - سایر شرایع در اقلیت بوده‌اند، بیشترین آیاتی که در آن ذکر «اهل کتاب» شده است مربوط به «یهود و نصاری» یعنی پیروان موسی (ع) و عیسی (ع)

است.

در مورد مجوسیان (زردشتیان) نیز باید گفت: «گرچه مطلق روایات، مجوسیان را اهل کتاب شمرده باید یا خود دارای کتابی خاص باشند، یا به یکی از کتابهای مذکوره در قرآن یعنی کتاب نوح، مصحف ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داوود، منسوب شوند. لیکن قرآن شریف وضع آنها را روشن نکرده و کتابی را برایشان تعیین نفرموده است. از طرف دیگر از کتاب «اوستا» که بین آنها شهرت دارد در قرآن ذکری به میان نیامده است و نزدشان کتاب دیگری هم به جز «اوستا» معروف نیست. قرآن شریف هر جا ذکری از اهل کتاب فرموده مرادش یهود و نصاری است که بر آنان کتاب آسمانی نازل شده است.»^(۱۴) نمونه‌ای از آیات ذکر شده عبارتند از:

- ما یود الذین کفروا من اهل الکتاب ولا المشرکین ان ینزل علیکم من خیر بقره ۱۰۵/۲
 - وَذَکِیْرٍ مِّنْ اهلِ الْکِتَابِ لَوْ یُرِدُوْنَکُمْ مِنْ بَعْدِ اِیْمَانِکُمْ کُفَّارًا حَسَدًا بقره ۱۰۹/۲
 - وَذَتَّ طَائِفَةٌ مِّنْ اهلِ الْکِتَابِ لَوْ یضِلُوْنَکُمْ وَ... آل عمران ۶۵/۳
 - یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یتین لکم علی فتره من الرسل مائده ۱۹/۵
- مراد از این آیات و آیات بسیاری دیگر^(۱۵) در قرآن کریم یهود و نصاری می‌باشند.

ع نامه

دیگر از معانی و مصادیق «کتاب» در قرآن «نامه» است، نامه نوشته و مکتوبی است که از جانب شخصی برای شخص دیگر توسط پیک و یا رسول و فرستاده‌ای ارسال می‌گردد. در قرآن کریم این «نامه» را نیز «کتاب» نامیده است. چنان که از قول ملکه سبا می‌فرماید:

- «قالت یا ایها الملاء ائی القی الی کتاب کریم
و در ادامه آیه مذکور اضافه می‌کند: «إِنَّهُ مِنْ سَلِیْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» که بیانگر این است نامه مذکور از جانب سلیمان (ع) بوده و با «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» شروع شده است. آن زن گفت: «ای درباریان و بزرگان، نامه مهم و با ارزشی به من رسیده است که از جانب سلیمان است و در آن نوشته شده «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ». و سپس از آنان در این امر مشورت خواست تا وی را یاری نمایند.

۷. مطلق نوشته

قرآن هر چیزی که مکتوب باشد را نیز کتاب نامیده است، و نوع خاصی از «کتابت» و یا مصداق خاصی از «کتاب» در این‌گونه آیات مراد نیست. لذا هر نوشته‌ای اعم از نوع کتابت و یا نوع کتاب، را «کتاب» نامیده است. چنان که در بیان «امی بودن» رسول اکرم (ص) قبل از رسالت می‌فرماید:

- ما کنت تتلوا من قبله من کتاب ولا تحطه بيمينک اذا لارتاب المبتلون.

عنکبوت ۴۸/۲۹

شاید مراد از آیه این باشد که تو قبلاً علم نیاموخته‌ای و نخواندن کتاب را به معنای نیاموختن سواد علم رسمی دانسته است. در این صورت مراد از کتاب، علم است. ولی ما با توجه به قرینه‌ای که در آیه موجود است یعنی قسمت آخر آیه که می‌فرماید: «ولانخطه بیمینک» (و بادست نوشتی)، درمی‌یابیم که مراد از نخواندن کتاب، نخواندن از روی کتاب و یا هر نوشته‌ایست که اولاً، نشانگر سواد «خواندن» باشد و ثانیاً از آن طریق علم حاصل شود، و مراد از تخطه بیمینک نیز نفی «نوشتن» است. لذا آیه نفی خواندن (از روی نوشته) و نوشتن، از رسول اکرم (ص) در زمان بعثت و قبل آن نموده است.

بنابراین معنی «کتاب» در آیه مورد بحث به «مطلق نوشته» نزدیک‌تر و به صواب مقرون‌تر است. از آیات دیگری که «کتاب» در آن به معنای مکتوب و نوشته است می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

- یَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ
- ولو نزلنا عليك كتاباً في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا... انعام ۷/۶

۸. به معنای مصدری «نوشتن»

همچنین کتاب در قرآن در معنای مصدری خود نیز به کار رفته است، و معنای «نوشتن» از آن اراده شده است. مانند:

- و منهم اميون لا يعلمون الكتاب الا امانتي وان هم الا يظنون
مفسر کبیر علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه مورد بحث معنای کتاب ذکر شده را در معنای مصدری آن ذکر کرده است. (۱۶)

۹. در معنای مکاتبه

مکاتبه، درباره «عبد مکاتب» است که به واسطه آن بنده براساس شرایطی آزاد می‌گردد و در این مورد قرار فی مابین مکتوب می‌گردد. صاحب مجمع‌البیان در خصوص آیه زیر از سوره نور معنای «کتاب» را در مورد عبد مکاتب می‌داند. (۱۷)

- والذین یتنون الكتاب مما ملکت ایمانکم فکاتبوهم ان علمتهم فیهم خیراً

نور ۲۴/۳۳

در معنای مکاتبه نوشته‌اند:

«معنی الكتاب والمکاتبه: ان یکاتب الرجل عبده أو امته علی مال ینجمه علیه، و یکتب علیه أنه إذا أدى نجومه، فی کلم نجم کذا و کذا، فهو حرٌّ، فاذا أدى جميع ما کاتبه علیه، فقد عتق، و ولاؤه لمولاه الذی کاتبه... فالسیّد مکاتبٌ والعبد مکاتبٌ اذا عقد علیه ما فارقه علیه من أداء المال». (۱۸)

۱۰. قضای حتمی و اجل مسمی

مراد از قضا در اینجا همان حکم و سررسید و پایان هر امری است که بعضی آن را به قضای حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده‌اند. (۱۹)

قضای حتمی آن حکم و سررسیدی است که تخلف ناپذیر است و گاه در قرآن از آن به «اجل مسمی» یاد شده است. این اجل و سررسید را به «کتاب» نیز تعبیر فرموده است تا آنجا که می‌فرماید:

- ما اهلکنا من قريةٍ الاّ ولها کتاب معلومٌ
لکلّ اجلٍ کتاب

- و ما کان لنفسٍ ان تموت الاّ باذن الله کتاباً مؤجلاً

که مراد از «کتاب» در آیات ذکر شده سررسید و یا قضایی است که رانده شده است و برای هر نفسی این نوع قضا رقم زده شده است. گاه در معارف و روایات دینی قضای حتمی را با «امضاء» مقرون می‌نمایند، یعنی امضاء را پس از قضا ذکر کرده‌اند. (۲۰)

۱۱. واجب و قریضه

دیگر از موارد کاربرد «کتاب» در قرآن امر واجب و یا فریضه است که خداوند از آن به «کتاب» تعبیر فرموده است. گاه در آیه‌ای لفظ «کتاب الله علیکم» و یا «کُتِبَ علیکم» و «کُتِبَ الله...» برمی‌خوریم. در این موارد، مراد وجوب و فرض امری است، چه بر مؤمنین و چه بر غیر مؤمنین. لذا یکی از معانی مذکور «امر واجب» و یا «فریضه» می‌باشد، چنانکه فرمود:

- ... والمحصنات من النساء الا ما ملکتم ایمانکم کتاب الله علیکم

- ... ولا تعزموا عقدة النکاح حتی يبلغ الکتاب أجله

در این آیه مرحوم علامه (ره) مشخصاً کتاب را به معنای واجب و فریضه ذکر کرده است. (۲۱)

- ... انّ الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً.

و قوله تعالی «کتاب الله علیکم» مصدرٌ آرید به الفعل ای کتب الله علیکم. (۲۲) مراد از قول خداوند از کتاب الله علیکم مصدری است که اراده فعل از آن فرموده پس معنای آن اینست که خداوند بر شما فرض نمود.

۱۲. نامه اعمال

یکی از موارد استعمال فراوان «کتاب» در قرآن در معنای «نامه اعمال خیر و شر» انسان است که روز قیامت به انسان عرضه می‌شود. و یا برابر دیدگانش گشوده می‌گردد، و یا به دست راست و یا دست چپ وی داده می‌شود، تا در آن بنگرد و... و احوال و اعمال خویش را که در دنیا برای خود ذخیره

نموده است ملاحظه نماید و دریابد که هیچ صغیره و کبیره‌ای نیست مگر آنکه در آن کتاب ذکر آن آمده باشد و یا هیچ امر کوچک و بزرگی نیست که فراموش شده باشد و چیزی از قلم «کراماً کاتبین» نیافتاده است. چنان که می‌فرماید:

- ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة إلا احصاها
- وضع الكتاب فترى المجرمين مشفقين
- و أشرفت الارض بنور ربها و وضع الكتاب
- فمن اوتى كتابه بيمينه فاولئك يقرؤن كتابهم...
- كلاً إن كتاب الفجار لفي سجين
- كلاً إن كتاب الابرار لفي علين
- و كل انسان الزمناه طائره في عنقه و نخرج له يوم القيامة كتاباً يلقاه منشوراً
- اسراء ۱۷/۱۳

در تمامی موارد ذکر شده مراد از کتاب نامه اعمال انسان می‌باشد.

با توجه به آنچه آمد می‌توان دریافت که هرچند واژه «کتاب» در قرآن به یک معنا و اصل برمی‌گردد ولی بسته به نوع اراده و مقصودی که خداوند از آن نموده است، مصادیق گوناگونی یافته است. که مراد از هر کدام با توجه به قرینه موجود در آیات، شناخته می‌گردد.

پی‌نوشتها:

- (۱). نرم‌افزار قدر. سیدعلی قدری - الکتاب ۱۶۳ مرتبه / بالکتاب ۴ / بکتاب ۳ / بکتابکم ۱ / بکتابی ۱ / کتاب ۴۷ / کتاباً ۱۲ / کتابک ۱ / کتابینا ۱ / کتابه ۵ / کتابها ۱ / کتابیه ۲ / لکتاب ۱ / للکتاب ۱ / والکتاب ۸ / وکتاب ۳ / وکتابه ۳ / کتب ۲ / جمعاً ۲۵۹ مرتبه)
- (۲). لسان العرب. ابن منظور ذیل کتاب - ج ۱۲ / ص ۲۲.
- (۳). همان ذیل قرآن. قرآن بر وزن فعلان مانند رجحان و فرقان و ... مصدر و به معنای خواندن هم ذکر شده است.
- (۴). فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم..
- فاذا قرى القرآن فاستمعوا لله وانصتوا لعلکم ترحمون
- (۵). و رتل القرآن ترتیلاً.
- افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب انفعالها
- (۶). المیزان جلد ۷ / ص ۲۵۴ / عربی / ط جامعه مدرسین.
- (۷). همان
- (۸). مجمع‌البیان کتاب در آیه مذکور را همان تورات تفسیر نموده است و در آیه ذکر بنی‌اسرائیل نیز دلالت بر آن دارد. ر.ک.
- مجمع‌البیان، شیخ طبرسی، ج ۶ / ص ۳۹۸ (ط / رحلی / دارالاحیاء / بیروت).
- (۹). ضمیر هما در آیه مذکور به موسی و هارون اشاره می‌کند.
- (۱۰). لسان‌العرب، ابن منظور، ذیل کتاب، ج ۱۲ / ص ۲۳.
- (۱۱). رکذ آیات ۲۶ الی ۳۰ سوره مريم

- (۱۲). میزان ج ۲ / ذیل آیه.
- (۱۳). میزان ج ۲ / ص ۲۳۷.
- (۱۴). میزان ج ۳ / ص ۳۰۶.
- (۱۵). رک. آل عمران ۳ / آیات ۶۴ / ۶۵ / ۶۹ / ۷۰ / ۷۲ / ۷۱ / ۹۸ / ۹۹ / ۱۱۰ / ۱۱۳ / ۱۹۹. نساء ۴ / آیات ۱۲۳ / ۱۳۱ / ۱۵۳ / ۱۵۹ / ۱۷۱ / مانده ۵ / آیات ۱۵ / ۱۹ / ۵۹ / ۶۵ / ۶۸ / ۷۷ / و عنکیوت ۲۹ / آیه ۴۶ و احزاب ۳۳ / آیه ۶، حدید ۵۷ / ۲۹ / حشر ۵۹ / ۲ / ۱۱ - بینه ۹۸ / ۱ / ۶.
- (۱۶). میزان ج ۱ / ص ۲۱۵.
- (۱۷). رک مجمع ج ۷ / ص ۱۴۰ و همچنین رک میزان ج ۱۵ / ص ۱۱۳.
- (۱۸). لسان العرب - ابن منظور ج ۱۲ / ص ۲۴.
- (۱۹). البیان فی علوم قرآن / ذیل فضای حتمی این مطلب را مفصلاً توضیح داده است.
- (۲۰). اصول کافی - روایات باب بدهاء.
- (۲۱). لسان العرب - ابن منظور ج ۱۲ / ص ۲۳.
- (۲۲). رک میزان ج ۲ / ص ۲۴۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱
۶۱۲
۶۱۳
۶۱۴
۶۱۵
۶۱۶
۶۱۷
۶۱۸
۶۱۹
۶۲۰
۶۲۱
۶۲۲
۶۲۳
۶۲۴
۶۲۵
۶۲۶
۶۲۷
۶۲۸
۶۲۹
۶۳۰
۶۳۱
۶۳۲
۶۳۳
۶۳۴
۶۳۵
۶۳۶
۶۳۷
۶۳۸
۶۳۹
۶۴۰
۶۴۱
۶۴۲
۶۴۳
۶۴۴
۶۴۵
۶۴۶
۶۴۷
۶۴۸
۶۴۹
۶۵۰
۶۵۱
۶۵۲
۶۵۳
۶۵۴
۶۵۵
۶۵۶
۶۵۷
۶۵۸
۶۵۹
۶۶۰
۶۶۱
۶۶۲
۶۶۳
۶۶۴
۶۶۵
۶۶۶
۶۶۷
۶۶۸
۶۶۹
۶۷۰
۶۷۱
۶۷۲
۶۷۳
۶۷۴
۶۷۵
۶۷۶
۶۷۷
۶۷۸
۶۷۹
۶۸۰
۶۸۱
۶۸۲
۶۸۳
۶۸۴
۶۸۵
۶۸۶
۶۸۷
۶۸۸
۶۸۹
۶۹۰
۶۹۱
۶۹۲
۶۹۳
۶۹۴
۶۹۵
۶۹۶
۶۹۷
۶۹۸
۶۹۹
۷۰۰
۷۰۱
۷۰۲
۷۰۳
۷۰۴
۷۰۵
۷۰۶
۷۰۷
۷۰۸
۷۰۹
۷۱۰
۷۱۱
۷۱۲
۷۱۳
۷۱۴
۷۱۵
۷۱۶
۷۱۷
۷۱۸
۷۱۹
۷۲۰
۷۲۱
۷۲۲
۷۲۳
۷۲۴
۷۲۵
۷۲۶
۷۲۷
۷۲۸
۷۲۹
۷۳۰
۷۳۱
۷۳۲
۷۳۳
۷۳۴
۷۳۵
۷۳۶
۷۳۷
۷۳۸
۷۳۹
۷۴۰
۷۴۱
۷۴۲
۷۴۳
۷۴۴
۷۴۵
۷۴۶
۷۴۷
۷۴۸
۷۴۹
۷۵۰
۷۵۱
۷۵۲
۷۵۳
۷۵۴
۷۵۵
۷۵۶
۷۵۷
۷۵۸
۷۵۹
۷۶۰
۷۶۱
۷۶۲
۷۶۳
۷۶۴
۷۶۵
۷۶۶
۷۶۷
۷۶۸
۷۶۹
۷۷۰
۷۷۱
۷۷۲
۷۷۳
۷۷۴
۷۷۵
۷۷۶
۷۷۷
۷۷۸
۷۷۹
۷۸۰
۷۸۱
۷۸۲
۷۸۳
۷۸۴
۷۸۵
۷۸۶
۷۸۷
۷۸۸
۷۸۹
۷۹۰
۷۹۱
۷۹۲
۷۹۳
۷۹۴
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰
۹۰۱
۹۰۲
۹۰۳
۹۰۴
۹۰۵
۹۰۶
۹۰۷
۹۰۸
۹۰۹
۹۱۰
۹۱۱
۹۱۲
۹۱۳
۹۱۴
۹۱۵
۹۱۶
۹۱۷
۹۱۸
۹۱۹
۹۲۰
۹۲۱
۹۲۲
۹۲۳
۹۲۴
۹۲۵
۹۲۶
۹۲۷
۹۲۸
۹۲۹
۹۳۰
۹۳۱
۹۳۲
۹۳۳
۹۳۴
۹۳۵
۹۳۶
۹۳۷
۹۳۸
۹۳۹
۹۴۰
۹۴۱
۹۴۲
۹۴۳
۹۴۴
۹۴۵
۹۴۶
۹۴۷
۹۴۸
۹۴۹
۹۵۰
۹۵۱
۹۵۲
۹۵۳
۹۵۴
۹۵۵
۹۵۶
۹۵۷
۹۵۸
۹۵۹
۹۶۰
۹۶۱
۹۶۲
۹۶۳
۹۶۴
۹۶۵
۹۶۶
۹۶۷
۹۶۸
۹۶۹
۹۷۰
۹۷۱
۹۷۲
۹۷۳
۹۷۴
۹۷۵
۹۷۶
۹۷۷
۹۷۸
۹۷۹
۹۸۰
۹۸۱
۹۸۲
۹۸۳
۹۸۴
۹۸۵
۹۸۶
۹۸۷
۹۸۸
۹۸۹
۹۹۰
۹۹۱
۹۹۲
۹۹۳
۹۹۴
۹۹۵
۹۹۶
۹۹۷
۹۹۸
۹۹۹
۱۰۰۰